

مجله علوم تربیتی و روانشناسی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۶  
دوره سوم، سال چهارم، شماره‌های ۱ و ۲  
صص: ۱۰۵-۱۲۶

## بررسی رابطه نگرش‌های فرزندپروری والدین و جایگاه مهار در دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان دزفول

مسعود برومند نسب\*، دکتر حسین شکرکن\*\*

دکتر بهمن نجاریان\*\*

### چکیده

جایگاه مهار به عنوان خصیصه‌ای شخصیتی به این امر اشاره دارد که هر فرد مجموعه‌ای از باورها و انتظارات دارد، مبنی بر اینکه افراد یا عواملی هستند که پاداشها و تنبیه‌ها را در زندگی وی در اختیار دارند. در این خصوص، برخی افراد جهت‌گیری درونی دارند، و معتقدند که تبعی، سخت‌کوشی، احتیاط و رفتار مسئولیت‌پذیر به پیامدهای مثبت خواهد انجامید. این دسته افراد جایگاه مهار درونی دارند و به آنها درون‌نگر اطلاق می‌شود. از طرف دیگر، برخی افراد جهت‌گیری بیرونی پیدا می‌کنند و اعتقاد دارند که رویدادها از طریق شانس، قدرت دیگران و عوامل ناشناخته و غیر قابل مهار تعیین می‌شوند. چنین افرادی جایگاه مهار بیرونی دارند و به آنها برون‌نگر گفته می‌شود. در چارچوب شناسایی و مطالعه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جایگاه مهار، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین نگرش‌های فرزندپروری والدین و جایگاه مهار فرزندانشان می‌باشد. سه نوع نگرش فرزندپروری مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از نگرش سلطه‌گری، نگرش وابستگی شدید و نگرش بی‌احتیایی نمونه این تحقیق شامل ۲۱۷ نفر دانش‌آموز دختر و پسر پایه سوم مقطع راهنمایی شهر دزفول بود، که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. این تحقیق شامل چهار فرضیه اصلی و چندین فرضیه فرعی در خصوص رابطه متغی نگرش‌های فرزندپروری سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌احتیایی با جایگاه مهار دانش‌آموزان بود. نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان می‌دهند که تقریباً همه فرضیه‌های اصلی و فرعی این تحقیق تأیید می‌شوند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، پژوهشگران پیشنهادهایی در خصوص شکل‌گیری و اصلاح جایگاه مهار دانش‌آموزان به والدین و آموزگاران ارائه می‌دهند.

\* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

\*\* اعضای هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

## پیشینه تحقیق

براساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی، عوامل محیطی و فرآیندهای درونی مشترکاً رفتارهای انسان را کنترل می‌کنند. لذا این نظریه‌ها، هم کنترل بی‌چون و چرای محیطی مورد تأکید رفتارگرایان را نمی‌پذیرند و هم به اراده کاملاً خارج از قید و شرط عوامل محیطی مورد اعتقاد روان‌شناسان پیرو مکتب انسان‌گرایی انتقاد دارند. برخی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که مردم به محیط اطراف خود پاسخ می‌دهند، اما در عین حال از طریق تفکر درباره آینده در تغییر محیط و رویدادهای محیطی می‌کوشند (سیف، ۱۳۶۸). یکی از نظریه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه یادگیری اجتماعی راتر<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) است. این نظریه، رفتار اجتماعی و شرایطی را که بر رفتار تأثیر می‌گذارد، مورد بررسی قرار می‌دهد.

نظریه راتر (۱۹۵۴) از نظریه تقویت هال<sup>۲</sup> (۱۹۴۳) و مفهوم انتظار تولمن<sup>۳</sup> و برخی مفاهیم نظریه‌های لوین<sup>۴</sup> و آدلر<sup>۵</sup> استفاده می‌کند، ولی به طور قطع کارهای اولیه هال (۱۹۴۳)، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری نظریه "یادگیری اجتماعی" راتر (۱۹۵۴) داشته است. در نظریه یادگیری اجتماعی راتر، زمانی یک تقویت فعال می‌شود که این انتظار در فرد تقویت شده باشد که انجام یا وقوع رویدادی

خاص در آینده تقویتی به دنبال خواهد داشت و زمانی که انتظار در توالی رفتار - تقویت به طور مکرر با شکست مواجه شود، آن انتظار کاهش می‌یابد و یا خاموش می‌شود. علاوه بر میزان انتظار که با وقوع رفتار ارتباط مستقیم دارد، ارزش تقویت هم در وقوع رفتار اثر مستقیم دارد. به عبارت دیگر بر اساس این نظریه، رفتار به عنوان کنشی نشأت گرفته از انتظار افراد روی می‌دهد، بدین معنی که عمل به خصوصی در نتیجه تقویت یا تنبیه و ارزش یا اهمیتی که فرد برای آن تقویت یا تنبیه به خصوص قائل است رخ می‌دهد.

یکی از مفاهیم اساسی نظریه اجتماعی راتر (۱۹۵۴) جایگاه مهار<sup>۶</sup> است. بر اساس این مفهوم، هر فرد مجموعه‌ای از انتظارات و باورها را درباره افراد یا اشیایی که کنترل این پاداشها و تنبیه‌ها را در زندگی آنان در دست دارند، پیدا می‌کنند. برخی از افراد جهت‌گیری درونی پیدا می‌کنند، با این اعتقاد که تبحر، سخت‌کوشی، احتیاط و رفتار مسئولیت‌پذیر به پیامدهای مثبت خواهد انجامید. چنین افرادی اعتقاد دارند که پیامدهای به دست آمده، نتیجه فعالیت‌های خودشان است، در نتیجه

1- Rotter

2- Hull

3- Tolman

4- Lewin

5- Adler

6- locus of control

طرد" و "سخت‌گیری در برابر آسان‌گیری". همچنین شیفر<sup>۶</sup> (۱۹۵۹) با انجام پژوهشی، الگویی را مطرح می‌کند که بر اساس آن مادران پذیرنده یا طردکننده، می‌توانند سخت‌گیر یا آسان‌گیر باشند و با ترکیبی از این دو بعد الگوهای مختلف رفتار والدین شکل می‌گیرد. مثلاً والدینی که تا اندازه زیادی سهل‌گیر و تا اندازه‌ای طردکننده هستند، نسبت به فرزندانشان بی‌اعتنا هستند، و یا والدینی که تا اندازه‌ای سهل‌گیر و تا اندازه زیادی پذیرش دارند، دارای الگویی دمکراتیک هستند.

در تحقیقی دیگر توسط بامریند<sup>۷</sup> (۱۹۷۳)، بین روشها تربیتی والدین و خصوصیات رفتاری کودکان مقایسه‌هایی به عمل آمد. نتایج نشان داد کودکانی که خوشتن‌دار، کنجکاو، فعال، متکی به خود و نسبت به همبازیهایشان مهربان هستند، والدینی مهربان، پرحرارت و پذیرنده دارند. بنابراین، تجارب فرد در دوران اولیه زندگی و تجاربی که فرد از زندگی با والدین خود دارد، همچنین ادراکات فرد از آن تجارب بر اعتقادات و باورهای وی اثر می‌گذارد. از جمله اعتقاداتی

وقایع تحت کنترل شخصی خودشان می‌باشد. این افراد جایگاه مهار درونی دارند و از نظر راتر درون‌نگر<sup>۱</sup> هستند. از طرف دیگر، برخی افراد یک جهت‌گیری بیرونی پیدا می‌کنند با این اعتقاد که رویدادها از طریق شانس، قدرت دیگران و عوامل ناشناخته و غیرقابل کنترل تعیین می‌شوند. چون این دسته از افراد معتقدند که پیامدها از طریق شانس و عوامل ناشناخته و غیرقابل کنترل تعیین می‌شوند، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که نتایج فراسوی کنترلشان است. چنین افرادی جایگاه مهار بیرونی دارند و راتر (۱۹۵۴) به آنها برون‌نگر<sup>۲</sup> می‌گوید.

تأثیر خانواده بر فرآیند رشد چنان بارز است که با وجود اختلافات موجود بین صاحب نظران روان‌شناسی، در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد نقطه‌نظر مشترک دارند. اکثر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنشهای متقابل میان والدین و فرزندانشان را اساس رشد عاطفی تلقی می‌کنند (بالبی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۹، فروید<sup>۴</sup>، ۱۹۶۴). بر این اساس، محققین مختلف الگوهای متنوعی در خصوص ارتباط والدین و کودکانشان مطرح کرده‌اند. مثلاً سیرز، مک‌کویی و لوین<sup>۵</sup> (۱۹۵۹) به این نتیجه رسیده‌اند که دو بعد از رفتار والدین در ارتباط با فرزندانشان از اهمیت برخوردار است که عبارتند از "پذیرش در برابر

1- internal

2- external

3- Bowlby

4- Freud

5- Sears, Maccoby and Levin

6- Schaefer

7- Baumrind

که می تواند تحت تأثیر تجارب دوران کودکی قرار گیرد، اعتقاد به توانایی شخصی برای کنترل نتایج و رویدادهاست، مثلاً وقتی والدین آزادمش به کودکان اجازه می دهند درباره بعضی از کارها تصمیم بگیرند و درباره امور شخصی اظهار نظر کنند، کودکان به این باور می رسند که بر سرنوشت خویش حاکم هستند و نتایج به دست آمده از رفتار آنها ناشی می شود و اگر فردی به این باور برسد که می تواند نتایج را کنترل کند، عملکردش در جنبه های مختلف از جمله عملکرد تحصیلی او بهبود خواهد یافت.

تحقیقات وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکانشان و روشهای تربیتی انجام شده است، نشان می دهند که روشهای تربیتی تأثیراتی طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارند. یکی از مهمترین مطالعات در روان شناسی اجتماعی، توسط آدورنو<sup>۱</sup>، فرنکل<sup>۲</sup>، برانزویک<sup>۳</sup>، لونیسون<sup>۴</sup> و نویت سانفورد<sup>۵</sup> (۱۹۵۰) ارائه شده است. این مطالعه در کتابی تحت عنوان "شخصیت استبدادی"<sup>۶</sup> آورده شده است. استدلال عمده و اصلی این کتاب را می توان به صورت زیر خلاصه کرد. افرادی که پدرانی کناره گیر، سخت گیر و تنبیه کننده دارند و در خانواده های بزرگ می شوند که حول خطوط سلسله مراتبی

سازمان یافته اند، با پدری ترس آور به عنوان قوی ترین فرد خانواده، گونه ای از شخصیت پیدا می کنند که موسوم به استبدادی است. این نوع شخصیت به گونه ای با انتظارات و اعتقادات فرد برای کنترل رویدادهای محیطی و جایگاه مهار ارتباط پیدا می کند. بدین صورت که این افراد سبک شناختی ویژه ای به کار می گیرند و بطور اخص از درون نگری، تأمل و تعقل، اندیشه، تفکر و خیال پردازی پرهیز می کنند و به عوامل و تعیین کننده های اسرار آمیز برای سرنوشت آینده اعتقاد دارند. در تحقیقات دیگر که توسط باکمن، اومالی و جانسون<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) انجام شده است به این نتیجه رسیده اند که احساس استقلال و مسئولیت افراد در قبال کارهایی که انجام می دهند، بستگی به نگرش آزادمثانه یا مستبدانه والدینشان دارد. مثلاً شواهد نشان می دهد که والدین آزادمش، قاطع و اطمینان بخش به احتمال زیاد فرزندان خواهند داشت که دارای اعتماد به نفس، عزت نفس زیاد، استقلال زیاد و احساس مسئولیت هستند.

- |                                |             |
|--------------------------------|-------------|
| 1- Adorno                      | 2-Frenkel   |
| 3- Branswik                    | 4- Levinson |
| 5- Nevitt Sanford              |             |
| 6- authoritarian personality   |             |
| 7- Bachman, O'Malley & Johnson |             |

خودداری از کمک به کودک به هنگام نیاز، تغییر می‌کند.

۲. محافظت کلی<sup>۵</sup>. به میزان محافظت والدین اشاره دارد، دامنه‌ای که والدین از کودک در برابر مشکلات محافظت می‌کنند، تا بی‌پناه گذاشتن وی در برابر مشکلات و مخاطرات، تغییر می‌کند.

۳. عطوفت<sup>۶</sup>. به میزانی اشاره دارد که رفتار پدر و مادر با کودک گرم و محبت‌آمیز و یا طردکننده و خصمانه است.

۴. به کارگیری انتقاد یا تأیید<sup>۷</sup>. به میزان تحسین و تأیید کودکان تا مورد انتقاد و یا ملامت قرار دادن آنها توسط والدین اشاره دارد. نتایج نشان داد که بین این رفتارها و پرسشنامه و مقیاسهای فرعی آن همبستگی معنی‌داری وجود دارد. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

در بعضی تحقیقات مطرح شده است که عدم ارضای نیازهای عاطفی در دوران کودکی با جایگاه مهاز رابطه دارد. نتایج تحقیقات نوویکی<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) نشان داده است که عدم ارضای نیازهای عاطفی کودکان در سن قبل از دبستان به علت تغییرات زندگی مثلاً، طلاق یا مرگ والدین، باعث می‌شود که کودکان در مقیاس جایگاه مهار نمره‌های برون‌نگری بالاتری به دست آورند. در تحقیقی که توسط کاتکوسکی، کراندال و گود<sup>۲</sup> (۱۹۶۷) انجام گرفت نمونه‌ای از کودکان طبقه متوسط که سنی بین ۶ سال و ۱۰ ماه تا ۱۲ سال و ۵ ماه داشتند انتخاب شدند. میانگین بهره هوشی این گروه ۱۱۷/۶۵ با انحراف معیار ۱۵ بود. ابتدا کودکان انتخاب شده به پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی<sup>۳</sup> (۱۹۶۵) پاسخ دادند. از این پرسشنامه سه نمره حاصل می‌شود: نمره درون‌نگری مثبت (+I)، نمره درون‌نگری منفی (-I)، و نمره درون‌نگری کلی. سپس چگونگی رفتار مادران با کودکانشان براساس مقیاسی به‌طور مستقیم مورد مشاهده قرار گرفت. بعضی از رفتارهای مورد مشاهده که با پذیرش مسئولیت پیشرفت رابطه داشتند عبارتند از:

۱. فرزندنوازی کلی<sup>۴</sup>. به میزان کلی مراقبت والدین اشاره دارد، و دامنه آن از کمک کردن به کودک علی‌رغم بی‌نیازی او تا

1- Nowicki

2- Katkovsky, Crandall & Good

3- Intellectual Achievement Responsibility Questionnaire

4- general babying

5- general protectiveness

6- affectionateness

7- severity of punishment

جدول ۱. همبستگیهای بین اندازه گیری رفتار مادر و نمره های "پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی"

پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی			پرسشنامه واکنش مادر
I+	I-	کل آزمون	
۰/۴۴**	۰/۶۸***	۰/۶۴**	فرزند نوازی کلی
۰/۴۹**	۰/۶۷***	۰/۶۴**	محافظت کلی
۰/۱۴**	۰/۴۶*	۰/۳۸	عطوفت
۰/۴۶**	۰/۵۶***	۰/۵۷***	بسه کارگیری انتقاد(تایید)

\* $P < 0/05$ \*\* $P < 0/01$ \*\*\* $P < 0/001$ 

شناختی بیشتر و صمیمیت و پذیرش کمتری هستند نمره های بیشتری در جهت برون نگری به دست می آورند، تا کودکانی که والدینشان را با عباراتی متفاوت با عبارات گروه اول توصیف می کردند.

جانسون و کیلمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) در مطالعه ای رابطه بین جایگاه مهار افراد و خاطراتشان را از نگرشهای والدینشان بررسی کردند. روش کار بدین گونه بود که ابتدا از میان ۲۶۰ دانشجوی دانشگاه ۴۰ دختر و ۴۰ پسر بر اساس نمره هایشان در آزمون راتر انتخاب شدند. ملاک درون نگری و برون نگری بدین صورت تعیین شد، آزمودنیهایی که نمره آنها یک انحراف معیار پایین تر از میانگین بود به عنوان

همچنین در پژوهشی که توسط دیویس و فیرز<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) روی دانشجویان دانشگاه انجام شد، از دانشجویان خواسته شد تا رفتار والدینشان را به خاطر بیاورند. برای سنجش جایگاه مهار از مقیاس راتر (۱۹۶۶) استفاده شد و آزمودنیهای مورد مطالعه همگی از دو انتهای درون نگری و برون نگری انتخاب شدند. نتایج نشان داد که دانشجویان درون نگر به یاد آوردند که والدینشان با آنان تعاملات مثبت بیشتر و طرد، کنترل خصمانه، عدم نظم، ناهماهنگی و کناره گیری کمتری داشته اند. در صورتی که برون نگرها، عکس این خصوصیات را درباره والدینشان به یاد می آورند.

در تحقیقی دیگر که توسط شور<sup>۲</sup> (۱۹۶۷) انجام شد، نشان داده شده است که کودکانی که ادراک می کردند والدینشان دارای کنترل روان

1- Davis &amp; Phares

2- Shore

3- Johnson &amp; Kilmann

جهت پاسخگویی به این سؤال اساسی انجام شد که آیا بین نگرشهای والدین و جایگاه مهار دانش آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی شهرستان دزفول رابطه وجود دارد یا خیر؟ در راستای سؤال اخیر، فرضیه‌هایی به قرار ذیل مورد آزمایش قرار گرفتند.

### فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق شامل چهارفرضیه اصلی و

هشت فرضیه فرعی ذیل بود:

- ۱- بین نگرشهای فرزندپروری (سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی) والدین دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول و جایگاه مهار این دانش آموزان رابطه منفی وجود دارد.
- ۱-۱- بین نگرشهای فرزندپروری (سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی) والدین دانش آموز دختر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول و جایگاه مهار این دانش آموزان رابطه منفی وجود دارد.

برون‌نگر و آنهایی که نمره‌هایشان یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بود به عنوان درون‌نگر شناخته شدند. سپس از آنها خواسته شد تا به "پرسشنامه روابط خانوادگی"<sup>۱</sup> که توسط برانکن و کرایتس<sup>۲</sup> (۱۹۶۴) تهیه شده است، پاسخ دهند. نتایج نشان داد که افراد برون‌نگر والدینشان را به عنوان افرادی محدود کننده و بیش از حد حمایت کننده توصیف می‌کردند.

همچنین در تحقیقی که توسط دی‌من، هال و استات<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) برای بررسی رابطه بین جو خانوادگی و جایگاه مهار انجام گرفت، نتایج به دست آمده نشان داد که بین کنترل خانوادگی و برون‌نگری رابطه معنی‌داری وجود دارد. در تحقیقی که توسط دی‌من، لدوک و لبرج - گاتیر<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) انجام گرفت، رابطه بین کنترل والدین و جایگاه مهار ۵۵۸ نوجوان فرانسوی - کانادایی دبیرستانی بررسی شد. ۲۷۲ نفر از این افراد پسر و ۲۸۶ نفرشان دختر بودند و همگی در دامنه سنی بین ۱۱ تا ۱۸ سالگی قرار داشتند. برای سنجش کنترل والدین از مقیاس "کنترل خودمختاری"<sup>۵</sup> که توسط "دی‌من"<sup>۶</sup> (۸۸ - ۱۹۸۷) تهیه شده است، و برای سنجش جایگاه مهار از مقیاس لونسون<sup>۷</sup> (۱۹۸۱) استفاده شد. تحلیل‌های آماری نشان داد که بین کنترل والدین و برون‌نگری همبستگی وجود دارد.

با توجه به مطالب یادشده، تحقیق حاضر

1- Family Relations Inventory

2- Brunkan & Crites

3- DeMan, Hall & Stout

4- DeMan, Leduc & Laberche- Gauthier

5- Autonomy-Control Scale

6- DeMan

7- Levenson

- ۱-۲- بین نگرشهای فرزند پروری (سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی) والدین دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۲- بین میزان سلطه‌گری والدین دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول و جایگاه مهار این دانش‌آموزان رابطه منفی وجود دارد.
- ۲-۱- بین میزان سلطه‌گری والدین دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به فرزندان خود و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۲-۲- بین میزان سلطه‌گری والدین دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول و جایگاه مهار این دانش‌آموزان رابطه منفی وجود دارد.
- ۳- بین میزان وابستگی شدید دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی دزفول به والدین و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۳-۱- بین میزان وابستگی شدید دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به والدین و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۳-۲- بین میزان وابستگی شدید دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به والدین و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۴- بین بی‌اعتنایی والدین دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به فرزندان خود و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۴-۱- بین بی‌اعتنایی والدین دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به فرزندان خود و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.
- ۴-۲- بین بی‌اعتنایی والدین دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهرستان دزفول به فرزندان خود و جایگاه مهار آنان رابطه منفی وجود دارد.

#### روش تحقیق

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم راهنمایی است که در سال تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲ در مدارس راهنمایی روزانه شهرستان دزفول به تحصیل اشتغال داشته‌اند. در این پژوهش تعداد ۲۱۷ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی شرکت داشته‌اند. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که نخست شهر دزفول را به پنج منطقه شمالی، مرکزی، جنوبی، شرقی و غربی تقسیم کردیم و از هر



والدین با ماده‌هایی چون "در تربیت بچه باید سخت‌گیری شود تا از شخصیتی سالم و قوی برخوردار گردد" وابستگی شدید با ماده‌ای مانند این جمله مشخص می‌شود. "والدین هر چه دارند باید وقف فرزندان خود کنند" همچنین بی‌اعتنایی والدین با ماده‌ای مانند این جمله اندازه‌گیری می‌شود "بچه‌ها باید در جمع بزرگسالان حاضر باشند ولی چیزی نگویند" در این پرسشنامه از مادر آزمودنی خواسته می‌شود تا هر ماده را بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" پاسخ دهد.

به منظور اعتباریابی پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزندپروری از روش اعتباریابی همزمان استفاده شده است. این نتایج در جدول ۲ ارائه شده‌اند. روش کار بدین طریق بود که برای هر یک از مقیاسهای فرعی یک سؤال که در برگیرنده محتوای تمامی سئوالات آن مقیاس بود، به عنوان سؤال ملاک تهیه گردید. سپس ضریب همبستگی بین میانگین پاسخ سئوالات هر یک از مقیاسهای فرعی با ملاک مربوطه محاسبه و به عنوان ضریب اعتبار در نظر گرفته شد. این ضرایب برای کل مقیاس ۰/۵۵، برای مقیاس

منطقه دو مدرسه، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه، مجموعاً ۱۰ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت دانش‌آموزان پایه سوم هر مدرسه نسبت به کل جامعه، از هر مدرسه بین ۱۰ تا ۳۰ نفر دانش‌آموز با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب گردیدند. بدین ترتیب، مجموعاً ۲۱۷ نفر آزمودنی انتخاب شدند. به دلایل مختلف ۲۳ مورد افت آزمودنی داشتیم که این باعث شد عملاً تعداد آزمودنیها به ۱۹۴ نفر کاهش یابد، از این تعداد ۹۸ نفر دختر و ۹۶ نفر پسر می‌باشند.

### ابزارهای تحقیق

در این پژوهش از یک ابزار برای سنجش نگرش والدین و سه ابزار جهت جایگاه مهار، مجموعاً چهار ابزار استفاده شد:

۱. پرسشنامه نگرشهای فرزندپروری. این پرسشنامه مداد-کاغذی که توسط دروز و تی‌هن<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) تهیه شده است، به وسیله گزارشگران این تحقیق به فارسی برگردانده شده است. پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که به طور مساوی به سه مقیاس فرعی، شامل مقیاس سلطه‌گری<sup>۲</sup>، مقیاس وابستگی شدید<sup>۳</sup> و مقیاس بی‌اعتنایی<sup>۴</sup> تقسیم شده است. نمره بالا در مقیاس سلطه‌گری نشان دهنده موافقت

1- Drews & Teahan 2- Dominating

3- Possessive 4- Ignoring

جدول ۲. اعتبار مقیاسهای فرعی پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزندپروری دروز و تنهن

مقیاس	ضریب اعتبار	سطح معنی داری	تعداد آزمودنی
کل پرسشنامه	۰/۵۵	$P < ۰/۰۰۱$	۱۹۴
سلطه‌گری	۰/۴۰	$P < ۰/۰۰۱$	۱۹۴
وابستگی شدید	۰/۳۱	$P < ۰/۰۰۱$	۱۹۴
بی‌اعتنائی	۰/۳۱	$P < ۰/۰۰۱$	۱۹۴

سلطه‌گری ۰/۴۰، برای مقیاس وابستگی می‌باشد. همه ضرایب به دست آمده در شدید ۰/۳۱ و برای مقیاس بی‌اعتنائی ۰/۳۱ سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنی دار هستند.

جدول ۳. ضرایب همسانی درونی سطوح مختلف پرسشنامه نگرشهای فرزندپروری

مقیاس	تنصیف	آلفای کرونباخ	تعداد
کل آزمون	۰/۶۷	۰/۶۰	۱۹۴
سلطه‌گری	۰/۴۴	۰/۴۷	۱۹۴
وابستگی شدید	۰/۱۲	۰/۲۱	۱۹۴
بی‌اعتنائی	۰/۲۱	۰/۲۷	۱۹۴

برای محاسبه همسانی درونی پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزندپروری از دو روش آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> و تنصیف<sup>۲</sup> استفاده شده است (به جدول ۳ مراجعه شود). ضرایب همسانی درونی به دست آمده به روش تنصیف برای کل پرسشنامه ۰/۶۷، مقیاس سلطه‌گری ۰/۴۴، مقیاس وابستگی شدید ۰/۱۲ و مقیاس بی‌اعتنائی ۰/۲۱ می‌باشد. همچنین محاسبه ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۰، برای مقیاس سلطه‌گری ۰/۴۷، برای مقیاس

وابستگی شدید ۰/۲۱ و برای مقیاس بی‌اعتنائی ۰/۲۷ می‌باشد. لازم به توضیح است که به دلیل کوتاه بودن طول آزمون، ضرایب همسانی درونی مقیاسهای وابستگی شدید و بی‌اعتنائی در حد مطلوب نیستند.

۲. پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی. این پرسشنامه مداد-کاغذی که توسط کراندال، کاتکوسکی و کراندال<sup>۳</sup> (۱۹۶۵) تهیه شده و

1- Cronbach's Alpha 2- split-half

3- Crandall, Katkovsky & Crandall

- توسط گزارشگران این تحقیق به فارسی برگردانده شده است، شامل ۳۴ سؤال دو گزینه‌ای است. آزمودنی پس از خواندن هر سؤال، بر اساس نگرشهایش یکی از گزینه‌ها را علامت می‌زند. پرسشنامه دارای سه سطح به صورت زیر است:
- درون‌نگری مثبت (I+): گزینه‌هایی هستند که به پذیرفتن مسئولیت موفقیت‌های شخصی اشاره دارند.
  - درون‌نگری منفی (I-): گزینه‌هایی هستند که به پذیرفتن مسئولیت شکست‌ها و وقایع منفی اشاره دارند.
  - درون‌نگری کلی: به مجموع نمره‌های درون‌نگری مثبت و درون‌نگری منفی اشاره دارد.
- طریقه نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت صفر و یک است. گرفتن نمره بالا در هر یک از دو آزمون فرعی و یا آزمون کلی نشان دهنده جهت‌گیری درونی است. برای نمونه یک سؤال از این پرسشنامه در اینجا آورده می‌شود.
- هنگامی که امتحانی را در مدرسه خوب نمی‌دهید، آیا الف. به این دلیل است که آن امتحان خیلی مشکل است، یا ب. به این دلیل است که برای امتحان مطالعه نکرده‌اید؟
- به منظور اعتباریابی پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی از روش همبستگی با آزمون دیگر که نوعی اعتبار سازه است، استفاده شد. به این منظور همبستگی بین مقیاس جایگاه مه‌ار راتر (۱۹۶۶) و سطوح مختلف "پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی" محاسبه شد. نتایج در جدول شماره ۴ ارائه شده‌اند. ضریب همبستگی بین کل پرسشنامه و مقیاس راتر  $r = 0/42$  بین I+ و مقیاس راتر  $r = 0/32$  و بین I- و مقیاس راتر  $r = 0/38$  بود که همگی در سطح  $P < 0/001$  معنی‌دار بودند.
- در این پژوهش برای محاسبه همسانی

جدول ۴. ضرایب اعتبار سطوح مختلف پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی کراندال

ضریب اعتبار			
تعداد نمونه	سطح معنی‌داری	مقیاس راتر	مقیاس
۱۹۴	$P < 0/001$	۰/۴۲	I کلی
۱۹۴	$P < 0/001$	۰/۳۲	I+
۱۹۴	$P < 0/001$	۰/۳۸	I-

جدول ۵. ضرایب همسانی درونی سطوح مختلف پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی

تعداد آزمون	آلفای کرونباخ	تنصیف	مقیاس
۱۹۴	۰/۶۷	۰/۶۸	کل
۱۹۴	۰/۵۱	۰/۵۶	I+
۱۹۴	۰/۵۸	۰/۵۷	I-

نشان دهنده جهت‌گیری درونی باشد. نمونه‌ای از سئوالات این مقیاس به این صورت است: "آیا فکر می‌کنید که زرنگ بودن بهتر از خوش‌شانس بودن است؟" در این پژوهش جهت اعتباریابی مقیاس جایگاه مهار نوویکی - استریکلند (۱۹۷۳) از روش اعتباریابی سازه استفاده شد. به این منظور ضریب همبستگی آن با مقیاس جایگاه مهار راتر (۱۹۶۶) محاسبه شد که مقدار آن  $0/46$  است و در سطح  $P < 0/001$  معنی‌دار بود. همچنین برای سنجش ضریب همسانی درونی از دو روش تنصیف و آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب به دست آمده به روش تنصیف  $0/47$  و به روش آلفای کرونباخ  $0/5$  بود.

۴. مقیاس جایگاه مهار راتر. این مقیاس توسط راتر (۱۹۶۶) تهیه شده است و دارای ۲۹ ماده می‌باشد، و هر ماده آن از دو جمله تشکیل شده است (۶ ماده این

درونی از دو روش تنصیف و آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۵ ارائه شده است. ضرایب همسانی درونی به دست آمده به روش تنصیف برای کل پرسشنامه  $0/68$  برای  $I+$   $0/56$  و برای  $I-$   $0/57$  هستند. همچنین محاسبه ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه  $0/67$ ، برای  $I+$   $0/51$  و برای  $I-$   $0/58$  بود.

۳. مقیاس جایگاه مهار نوویکی - استریکلند. مقیاس جایگاه مهار نوویکی - استریکلند<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، یک ابزار سداد - کاغذی است که توسط گزارشگران این تحقیق به فارسی برگردانده شده است. این مقیاس چهل ماده دارد، و آزمودنی به صورت "بلی" یا "خیر" به هر سؤال پاسخ می‌دهد. روش نمره‌گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک است. در نمونه اصلی مقیاس نمره بالا به منزله جهت‌گیری بیرونی است. ولی در این پژوهش به خاطر هماهنگی با ابزارهای دیگر به روشی نمره‌گذاری صورت گرفت که گرفتن نمره بالا

1- Nowicki - Strickland

اعتباریابی و به دست آوردن پایایی این مقیاس در این تحقیق کوششی به عمل نیامده است. اما همبستگی بین مقیاس راتر و نوویکی - استریکلند به وسیله نوویکی - استریکلند (۱۹۷۳) روی نمونه‌ای ۷۶ نفری از دانشجویان  $r=0/61$  گزارش شده است. بیابانگرد (۱۳۷۱) در تحقیقی روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران همبستگی بین مقیاس راتر و آزمون عزت نفس کوپراسمیت را  $r=0/58$  گزارش کرده است.

در مطالعات زیادی پایایی مقیاس راتر به روش بازآزمایی محاسبه شده که راتر (۱۹۶۹) میزان آنها را بین  $0/49$  تا  $0/83$  گزارش داده

مقیاس خنثی هستند). روش نمره‌گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک است. در نمونه اصلی مقیاس نمره بالا به منزله جهت‌گیری بیرونی است، ولی در این پژوهش به خاطر هماهنگی با ابزارهای دیگر نمره‌گذاری به روشی صورت گرفت که گرفتن نمره بالا نشان دهنده جهت‌گیری درونی باشد. این مقیاس علاوه بر سنجش جایگاه مهار برای سنجش اعتبار سازه پرسشنامه‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. چون هدف اصلی از به‌کارگیری مقیاس راتر در این پژوهش سنجش اعتبار سازه پرسشنامه‌هایی است که برای سنجش جایگاه مهار به کار رفته‌اند، لذا جهت

جدول ۶. میانگین و انحراف معیار پرسشنامه‌ها و مقیاسهای جایگاه مهار و نگرشهای فرزندپروری والدین برای آزمودنیهای دختر، پسر و کل دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی شهرستان دزفول

آزمودنیها پرسشنامه	آزمودنیهای دختر				آزمودنیهای پسر				کل آزمودنیها	
	مقیاس	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سنولیت پیشرفت تحصیلی کراندال	کل	۲۶/۰۸	۲/۱۸	۹۸	۲۷/۹۳	۲/۸۳	۹۶	۲۶/۹۹	۲/۶۸	۱۹۴
	I+	۱۴/۰۸	۲/۱۹	۹۸	۱۴/۲	۱/۶۵	۹۶	۱۴/۲۳	۱/۹۴	۱۹۴
	I-	۱۲	۲/۷۵	۹۸	۱۳/۵۳	۱/۹۱	۹۶	۱۴/۷۶	۲/۲۹	۱۹۴
نوویکی - استریکلند	-	۲۸/۹۶	۳/۵۲	۹۸	۲۸/۷۱	۳/۷۶	۹۶	۲۸/۸۲	۳/۶۳	۱۹۴
راتر	-	۱۵/۴۸	۳/۳۱	۹۸	۱۶/۳۳	۲/۴۸	۹۶	۱۵/۹	۳/۹۴	۱۹۴
نگرشهای فرزندپروری والدین	کل	۹۳/۳۷	۱۰/۸۹	۹۸	۹۵/۹۴	۹/۱۸	۹۶	۹۴/۶۴	۱۰/۱۴	۱۹۴
	سلطه‌گری	۳۱/۷۸	۵/۲۷	۹۸	۳۲/۵۶	۲/۹۴	۹۶	۳۲/۲۶	۵/۱۱	۱۹۴
	وابستگی شدید	۳۲/۲۷	۲/۶۹	۹۸	۳۲/۶۸	۲/۲۲	۹۶	۳۲/۲۷	۲/۲۵۷	۱۹۴
	بی‌احتیایی	۲۹/۳۳	۲/۳۴	۹۸	۳۰/۷	۳/۶۸	۹۶	۳۰	۲/۰۷۵	۱۹۴

## جدول ۷. ضرایب همبستگی بین آزمونهای جایگاه مهار و نگرشهای فرزندپروری

آزمونهای									جایگاه مهار
کل			پسر			دختر			
df	p	r	df	p	r	df	p	r	
۱۹۲	۰/۰۰۴	-۰/۳۱	۹۴	۰/۱۴	-۰/۱۵	۹۶	۰/۰۰۲	-۰/۳۱	مسئولیت کل
۱۹۲	۰/۰۰۱	-۰/۲۶	۹۴	۰/۰۱۸	-۰/۲۴	۹۶	۰/۰۰۳	-۰/۲۹۵	پیشرفت تحصیلی I+
۱۹۲	۰/۱۴۸	-۰/۱۰۴	۹۴	۰/۸۷	-۰/۰۲	۹۶	۰/۰۲۲	-۰/۲۳	کراندال I-
۱۹۲	۰/۰۰۱	-۰/۴	۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۳۳	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۴۵	نوویکی - استریکلند
۱۹۲	۰/۰۰۲	-۰/۲۲	۹۴	۰/۴۳	-۰/۰۸۲	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۴۴	راتر

کراندال و مقیاسهای مربوط به آن، همچنین در مقیاس جایگاه مهار راتر، از آزمونهای دختر میانگین بیشتری دارند، ولی میانگین نمره مقیاس نوویکی-استریکلند و نمره‌های پرسشنامه نگرشهای فرزندپروری والدین آزمونهای دختر بیشتر است.

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های چهارگانه و فرضیه‌های فرعی آنها به صورت ضرایب همبستگی میان پرسشنامه‌های جایگاه مهار و نگرشهای فرزندپروری و همچنین سطح معنی‌داری آنها برای دانش‌آموزان دختر و پسر و کل آزمونها در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود همبستگی بین پرسشنامه نگرشهای فرزندپروری و جایگاه مهار برای کل آزمونها

است. همچنین هیرش و اسکیب<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) پایایی مقیاس راتر را به روش بازآزمایی از یک فاصله زمانی ۲ ماهه ۰/۴۸ تا ۰/۸۴ گزارش داده‌اند.

## یافته‌های پژوهش

یافته‌های این تحقیق در دو بخش،

یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ارائه می‌شوند.

## الف) یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی این پژوهش میانگین و انحراف معیار پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی کراندال، مقیاس راتر را برای آزمونهای دختر، پسر و کل آزمونها و همچنین نگرشهای فرزندپروری والدین را در بر می‌گیرد. این یافته در جدول ۶ نشان داده شده‌اند. مقایسه میانگین پرسشنامه‌های جایگاه مهار نشان می‌دهد که آزمونهای پسر در پرسشنامه مسئولیت پیشرفت تحصیلی

ضریب همبستگی بین نگرش والدین و جایگاه مهار برای آزمودنیهای پسر با استفاده از کل مقیاس کرانداال  $r = -0/15$ ، با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/24$ ، با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/02$ ، با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/33$  و با مقیاس راتر  $r = -0/082$  است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه ۱-۱، تنها در ارتباط با مقیاس درون‌نگری مثبت کرانداال و مقیاس جایگاه مهار نوویکی - استریکلند، در سطح  $P < 0/05$  تأیید می‌شود.

یافته‌های مربوط به ضرایب همبستگی بین آزمودنیهای جایگاه مهار و میزان سلطه‌گری والدین به تفکیک جنسیت و کل آزمودنیها در جدول شماره ۸ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود همبستگی بین سلطه‌گری والدین و جایگاه مهار برای کل آزمودنیها با استفاده از کل

با استفاده از کل مقیاس کرانداال  $r = -0/21$ ، با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/26$ ، با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/104$  و با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/4$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/22$  می‌باشد. به جز ضریب همبستگی به دست آمده از مقیاس منفی کرانداال، بقیه ضرایب به دست آمده در سطح  $P < 0/05$  آماری معنی‌دار می‌باشند. با توجه به این یافته‌ها، فرضیه اول در چهار مورد از پنج مورد تأیید شده است. ضریب همبستگی بین نگرش والدین و جایگاه مهار برای آزمودنیهای دختر با استفاده از کل مقیاس  $r = -0/31$ ، با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/295$ ، با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/23$ ، با مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/45$  و با مقیاس راتر  $r = -0/44$  است، که همگی در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دار می‌باشند، بنابراین فرضیه ۱-۱ تأیید می‌شود.

جدول ۸. ضرایب همبستگی بین آزمون‌های جایگاه مهار میزان سلطه‌گری والدین

جایگاه مهار	آزمودنیها								
	دختر			پسر			کل		
	df	p	r	df	p	r	df	p	r
مستولیت کل	۹۶	۰/۰۰۴	-۰/۲۹	۹۴	۰/۸۲۷	-۰/۰۲۳	۱۹۲	۰/۰۲۹	-۰/۱۶
پیشرفت تحصیلی I+	۹۶	۰/۰۰۳	-۰/۳	۹۴	۰/۳۰۲	-۰/۱۱	۱۹۲	۰/۰۰۳	-۰/۲۱
کرانداال I-	۹۶	۰/۰۵۵	-۰/۲	۹۴	۰/۵۷۳	-۰/۰۶	۱۹۲	۰/۳۵۹	-۰/۰۷۰
نوویکی - استریکلند	۹۶	۰/۰۰۳	-۰/۳	۹۴	۰/۱۳۴	-۰/۱۵	۱۹۲	۰/۰۰۲	-۰/۲۳
راتر	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۴	۹۴	۰/۷۵۴	-۰/۰۳۲	۱۹۲	۰/۰۲۹	-۰/۱۶

۲-۱، تأیید می‌شود. همبستگی بین جایگاه مهار دانش آموزان پسر و سلطه‌گری والدین آنها با استفاده از کل مقیاس کراندال  $r = -0/023$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/11$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/06$  با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/15$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/032$  است که هیچ کدام در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دار نیستند. بنابراین با توجه به این یافته‌ها، فرضیه ۲-۲ تأیید نمی‌شود.

یافته‌های مربوط به ضرایب همبستگی بین آزمونه‌های جایگاه مهار و میزان وابستگی شدید کودکان به والدین به تفکیک جنسیت و کل آزمودنیها در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، همبستگی بین وابستگی شدید کودکان به والدین و جایگاه مهار برای کل آزمودنیها با استفاده از کل مقیاس کراندال

مقیاس کراندال  $r = -0/16$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/21$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/07$  با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/23$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/16$  می‌باشد. از ضرایب به دست آمده فقط ضریب همبستگی مقیاس منفی کراندال در سطح تعیین شده معنی‌دار نیست و بقیه در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دارند. با توجه به این نتایج فرضیه ۲ تأیید می‌شود.

ضریب همبستگی بین جایگاه مهار دانش‌آموزان دختر و سلطه‌گری والدین آنها با استفاده از کل مقیاس  $r = -0/29$  و با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/3$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/2$  با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/3$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/34$  است. همگی ضرایب به دست آمده در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دارند و در نتیجه فرضیه

جدول ۹. ضرایب همبستگی بین آزمونه‌های جایگاه مهار و وابستگی شدید کودکان به والدین

آزمودنیها									جایگاه مهار
کل			پسر			دختر			
df	p	r	df	p	r	df	p	r	
۱۹۲	۰/۰۸	-۰/۱۹	۹۴	۰/۸	-۰/۰۱۸	۹۶	۰/۰۲۲	-۰/۲۳	مسئولیت کل
۱۹۲	۰/۰۰۱	-۰/۲۳	۹۴	۰/۰۱	-۰/۲۶	۹۶	۰/۰۲۶	-۰/۲۲۵	پیشرفت عقلی I+
۱۹۲	۰/۱۶۵	-۰/۱	۹۴	۰/۷	-۰/۰۴	۹۶	۰/۰۹۲	-۰/۱۷۱	کراندال I-
۱۹۲	۰/۰۰۱	-۰/۳۱	۹۴	۰/۰۱	-۰/۲۶	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۶	نوویکی - استریکلند
۱۹۲	۰/۰۰۲	-۰/۲۲	۹۴	۰/۱۳	-۰/۱۵	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۲	راتر



۳-۱، تأیید می‌شود. همبستگی بین وابستگی شدید کودکان به والدین و جایگاه مهار برای آزمودنیهای پسر با استفاده از کل مقیاس  $r = -0/18$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/26$  و با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/04$  با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/26$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/15$  می‌باشند. با توجه به نتایج به دست آمده فقط ضرایب مربوط به مقیاس مثبت کراندال و مقیاس نوویکی-استریکلند در سطح  $P < 0/01$  معنی دارند و در ارتباط با آنها فرضیه ۲-۳ تأیید می‌شود.

یافته‌های مربوط به ضرایب همبستگی بین آزمونهای جایگاه مهار دانش‌آموزان و میزان بی‌اعتنایی والدین نسبت به آنها به تفکیک جنسیت و کل آزمودنیها در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده

$r = -0/19$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/23$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/1$  با استفاده از مقیاس نوویکی - استریکلند  $r = -0/31$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/22$  می‌باشد، که به جز مقیاس کل و منفی کراندال بقیه ضرایب به دست آمده در سطح  $P < 0/05$  معنی دارند و فرضیه ۳ تأیید می‌شود. همبستگی بین وابستگی شدید کودکان به والدین و جایگاه مهار برای آزمودنیهای دختر با استفاده از کل مقیاس  $r = -0/23$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $r = -0/225$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $r = -0/171$  با مقیاس نوویکی-استریکلند  $r = -0/36$  و با استفاده از مقیاس راتر  $r = -0/132$  می‌باشد که از این میان فقط ضریب درون‌نگری منفی، در سطح تعیین شده معنی دار نیست، و بقیه ضرایب به دست آمده در سطح  $P < 0/05$  معنی دارند و فرضیه

جدول ۱۰. ضرایب همبستگی بین آزمونهای جایگاه مهار آزمودنیها و بی‌اعتنایی والدین نسبت به کودکان

آزمودنیها									جایگاه مهار
کل			پسر			دختر			
df	p	r	df	p	r	df	p	r	
۱۹۲	۰/۱۲۴	-۰/۱۱	۹۴	۰/۱۶۹	-۰/۱۴	۹۶	۰/۰۸۹	-۰/۱۷	مستولیت کل
۱۹۲	۰/۸۴	-۰/۱۲	۹۴	۰/۱۲۷	-۰/۱۶	۹۶	۰/۲	-۰/۱۳	پیشرفت عقلی I+
۱۹۲	۰/۳۵۴	-۰/۰۷	۹۴	۰/۴۷۲	-۰/۰۷	۹۶	۰/۱۲	-۰/۱۶	کراندال I-
۱۹۲	۰/۰۰۱	-۰/۳۵	۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۳۲	۹۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۸	نوویکی-استریکلند
۱۹۲	۰/۱۲۳	-۰/۱۱	۹۴	۰/۸۸۴	-۰/۰۱۵	۹۶	۰/۰۰۲	-۰/۳۱	راتر

کل مقیاس  $\alpha = -0/14$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $\alpha = -0/16$  با استفاده از مقیاس درون‌نگری منفی  $\alpha = -0/07$  با استفاده از مقیاس نوویکی-استریکلند  $I = -0/32$  و با استفاده از مقیاس راتر  $I = -0/015$  می‌باشد. از میان نتایج به دست آمده فقط ضریب همبستگی حاصل از مقیاس نوویکی-استریکلند در سطح تعیین شده معنی‌دار است و فرضیه ۲-۴ با توجه به مقیاس نوویکی-استریکلند تأیید می‌شود.

#### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ملاحظه شد، همبستگی بین نگرش‌های فرزند‌پروری و جایگاه مهار دانش‌آموزان در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دار بود و فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین در کل نمونه و با استفاده از پرسشنامه پیشرفت تحصیلی کراندال، مقیاس‌های "نوویکی-استریکلند" و "راتر" ضرایب همبستگی به ترتیب برابر با  $\alpha = -0/31$  و  $I = -0/3$  و  $I = -0/22$  بودند و برای آزمودنی‌های دختر حتی از این مقدار بیشتری بودند.

نتایج به دست آمده از این پژوهش ضمن تأیید نتایج تحقیقات انجام شده توسط پژوهشگران دیگر (همچون شور ۱۹۶۷، کراندال ۱۹۷۳، دی من، هال و استوت ۱۹۹۰،

می‌شود، همبستگی بین بی‌اعتنایی والدین نسبت به کودکانشان و جایگاه مهار برای کل آزمودنی‌ها با استفاده از کل مقیاس کراندال  $\alpha = -0/11$  با مقیاس درون‌نگر مثبت  $\alpha = -0/07$  با استفاده از مقیاس نوویکی-استریکلند  $I = -0/35$  و با استفاده از مقیاس راتر  $I = -0/11$  می‌باشد. از میان ضرایب به دست آمده تنها ضریب همبستگی مربوط به مقیاس نوویکی-استریکلند در سطح تعیین شده معنی‌دار است و فرضیه ۴، تنها در ارتباط با مقیاس نوویکی-استریکلند تأیید می‌شود.

همبستگی بین بی‌اعتنایی والدین نسبت به کودکانشان با جایگاه مهار برای آزمودنی‌های دختر با استفاده از کل مقیاس  $\alpha = -0/17$  با مقیاس درون‌نگری مثبت  $\alpha = -0/13$  با مقیاس درون‌نگری منفی  $\alpha = -0/16$  با استفاده از مقیاس نوویکی-استریکلند  $\alpha = -0/38$  با استفاده از مقیاس راتر  $I = -0/31$  می‌باشد. ضرایب بالا نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از ضرایب سطوح مختلف مقیاس‌های آزمون کراندال در سطح تعیین شده معنی‌دار نیستند، ولی آزمودنی‌های نوویکی-استریکلند و راتر در سطح تعیین شده معنی دارند و فرضیه ۱-۴ در ارتباط با مقیاس‌های نوویکی-استریکلند و راتر تأیید می‌شود. همچنین همبستگی بین بی‌اعتنایی والدین نسبت به کودکانشان و جایگاه مهار برای آزمودنی‌های پسر با استفاده از

حمایت افراطی والدین باعث می‌شود که کودک احساس بی‌کفایتی و عدم مقبولیت کند، زیرا که فرصت مستقل بودن و احساس مسئولیت از او گرفته می‌شود. همچنین نیکی معتقد است که سلطه والدین، همین واکنشها را در کودک ایجاد می‌کند. هر چند در ظاهر حمایت افراطی و سلطه‌گری دو صفت متفاوت و متضاد هستند ولی هر دو صفت این ویژگی را دارند که در کودک این احساس را به وجود می‌آورند که دیگران برای او تصمیم گیرنده هستند و خودش مسئولیتی در قبال شکستها و یا پیروزی‌هایش ندارد و این یکی از خصوصیات افراد برون‌نگر است.

پس اگر والدین می‌خواهند فرزندانی مستقل، مسئولیت‌پذیر و دارای اعتماد به نفس داشته باشند، باید در ارتباط با آنان گرم، صمیمی و پذیرنده باشند، برای رفتار مسئولانه کودکان خود پاداش فراهم کنند و به آنان اجازه دهند مستقل باشند و در کارهای مربوط به خودشان، شخصاً تصمیم بگیرند. به خاطر همین تجارب در زندگی خانوادگی است که کودکان یاد می‌گیرند بین رفتارشان و تقویتی که می‌گیرند رابطه‌ای منطقی وجود دارد. به همین ترتیب، بین شکستهایی که نصیبشان می‌شود و رفتارشان رابطه می‌بینند و به طور کلی مسئولیت رفتار خودشان را می‌پذیرند.

دی من، لیدوس و لبریح - جایتر ۱۹۹۲ حاکی از این است که بین نگرشهای (سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی) والدین و جایگاه مهار فرزندان همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر، در خانواده‌هایی که والدین معتقدند باید رفتار فرزندانشان کنترل شود، فرزندانشان باید بیشتر به آنها وابسته باشند، همچنین این نگرش را دارند که نباید به اعمال و رفتار کودکان اعتنا کرد، احتمال بیشتر می‌رود که فرزندانشان برون‌نگر باشند. البته بر اساس ضرایب به دست آمده نگرش والدین به روشهای تربیتی حداکثر ۲۰٪ از واریانس علل اجتماعی جایگاه مهار را می‌تواند تبیین کند. مقدار این درصد نشان دهنده این نکته است که عواملی غیر از روشهای تربیتی می‌توانند در چگونگی شکل‌گیری قضاوت‌های فرد در مورد علل رویدادها و تقویتی‌های به دست آمده مؤثر باشند. در هر خانواده عوامل بسیاری وجود دارند که به عنوان میانجی عمل می‌کنند و ارتباط بین روشهای تربیتی و رفتار کودک را تعدیل می‌کنند.

این امر مسلم است که خانواده بیشترین تأثیر را بر رشد شخصیت کودک دارد و همان‌طور که نیکی<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) اظهار می‌دارد، جو حاکم بر خانواده و رفتار والدین می‌تواند در چگونگی احساس فرد از خود و توانایی‌هایش مؤثر باشد. وی معتقد است که

## منابع

## فارسی

- اتکینسون، ریتا. اتکینسون، ریچارد. و هیلگارد، ارنست (۱۹۸۳). زمینه روان‌شناسی (جلد اول)، ترجمه: براهنی، محمدنقی و همکاران (۱۳۶۷). تهران، انتشارات رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۱). بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانهای شهر تهران، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۲، صص ۹۸-۱۱۳.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۶۸). روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). تهران، انتشارات آگاه.
- شیلینگ، لوئیس (۱۹۸۴). نظریه‌های مشاوره (دیدگاههای مشاوره) ترجمه: آرین، سیده خدیجه، (۱۳۷۲). تهران، انتشارات اطلاعات.
- ماسن، پاول، هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک، ترجمه: یاسایی، مهشید (۱۳۶۸). تهران، انتشارات نشر مرکز.
- نلیسون، ریتا ویکس، ایزرائل، الن سی (۱۹۸۴). اختلال‌های رفتاری کودکان. ترجمه: منشی طوسی، محمدنقی (۱۳۶۹). مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- هیلگارد، ارنست. گوردون. باور (۱۹۷۵). نظریه‌های یادگیری (جلد اول). ترجمه: براهنی، محمدنقی (۱۳۷۱) تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

## خارجی

- Adorno, T, Frenkel Brunswik, E, Levinson, D. & R. Nevitt Sanford, (1950). *The authoritarian personality*. New York
- Bachman, J.G. (1970). Youth in Transition (vol 2): *The Impact of Family Background and Intelligence on Tenth Grade Boys*. Ann Arbor, Michigan Institute for Social Research. University of Michigan.
- Bachman, J.G, Johnston, L.D. & O'Malley. P.M (1978). *Adolescence to adulthood: Change and stability in the lives of young men*. Ann Arbor, Institute for Social Research. University of Michigan.
- Baumrind, D. (1973). *The development of instrumental competence through socialization*. In A.D Pick(ed.), Minneapolis University of Minnesota Press.

- Bolles, R. C. (1972). Reinforcement, expectancy, and learning. *Psychological Review*. 28, 21-29.
- Bowlby, J. (1969). Attachment (vol,1): Attachment and Loss. New York: Basic Books.
- Brunkan, R.J. & Crites, J.O. (1964). An inventory to measure the parental attitude variables in theory of vocational choice. *Journal of counselling and Personality*. 11, 3-12.
- Bryant, B. K & Trockel, J.F. (1976). Personal history of psychological stress related to locus of control orientation among college women, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 6, 1552-1553.
- Crandall, V.C, Katkovsky, W.& Crandall, V.J. (1965). Children's beliefs in their control of reinforcements in academic achievement behaviors. *Child Development*. 36, 91-109.
- Davis, W.L. & Phares, E.J. (1969). Parental Antecedents of Internal - external control reinforcement. *Psychological Reports*. 24, 427-436.
- De Man, A.F. (1987-88). The autonomy - control scale. *Psychology and Human Development*. 2, 1-6.
- De man, A.F, Hall, V.& stout, D. (1990). Family environment and multidimensional locus of control. *Social Behavior and Personality*. 18, 197-200.
- De Man, A.F. Leduc, C.P.& Labreche-Gauthier, L. (1992). Parental control in child rearing and multidimensional locus of control. *Psychological Reports*. 70, 320-332.
- Drews, Elizabeth Monroe & Teahan, John (1957). Parental attitudes and academic achievement. *Journal of Clinical Psychology*. 13(4), 328-332.
- Epstein, S. (1979). Explorations in personality today and tomorrow: A tribute to Henry A. Murray. *American Psychologist*. 34, 649-653.
- Flavell, J.H. (1977). *Cognitive development*. Englewood Sliffs, N.J. Prentice-Hall.
- Freud, S. (1964). *An outline of psychoanalysis*. Standard Editor of the Work of Sigmund Freud. London: Hogarth Press.
- Hetherington, E.M. (1972). Effects of father absence on personality development in adolescent daughters. *Developmental Psychology*. 7, 313-326.
- Hull, C.L. (1943). *Principles of behavior*. New York: Appleton.
- Herch, P.D & Scheibe, K.E (1967). On the reliability and validity of internal - external control as a personality dimension. *Journal of consulting psychology*. 31, 609-613.
- Johnson, B.L. & Kilmann, P.R. (1975). The relationship between recalled parental attitudes and internal - external control. *Journal of Clinical Psychology*. 31, 40-42.

- Katkovsky, W. Crandall, V.C & Good, S. (1967). Parental antecedents of children's beliefs in internal - external control of reinforcement in intellectual achievement situations. *Child Development*. 28, 765-776.
- Levenson, H. (1981). Differentiating among internality powerful others, and chance, in H.M. Lefcourt (ed), *Research with the Locus of Control Construct*. Vol,1, new York: *Academic Press*. 15-63.
- Misch, W. (1976). On the interface of cognition and personality: Beyond the person - situation debate, *American Psychologist*. 34, 740-754.
- Nikelly, A.G. (1971). Fundamental concepts of maladjustment, in A.G. Nikelly (Ed), *Techniques for behavior change*. Springfield ILL: Charles C, Thomas.
- Nowicki, S. (1978). Reported stressful events during development periods and their relation to locus of control orientation in college students, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 6, 1552-1553.
- Nowicki, S. & Strickland, B.R (1973). A locus of control for children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 40, 148-154.
- Phares, E.J. (1968). Differential utilization of information as a function of internal - external control. *Journal of Personality*. 36, 649-662.
- Rotter, J.B. (1954). *Social learning and clinical psychology*. Englewood Cliffs. N.J: Prentice Hall.
- Rotter, J.B. (1966). Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement, *Psychological Monographs*. 80, (whole N, 609).
- Sears, R.R. Maccoby, E.E. & LEVIN, (1957). *Patterns of child rearing*. New York: Harper & Row.
- Schaefer, E.S. (1959). A circumplex model for maternal behavior, *Journal of Abnormal and Social Psychology*. 59, 226-235.
- Shore, R.E. (1967). *Parental determinants of boys internal - external control*. Unpublished Dissertation, Syracuse USA.
- Watson, G. (1928). *Psychological care of infant and child*. New York: Norton.